

نقدی بر کتاب فرهنگ اصطلاحات علم کلام

حوریه شجاعی باغینی*

چکیده

هر علمی اصطلاحات و زبان فنی مخصوص خود را دارد که ابزار درک متون آن علم به‌شمار می‌رود. در این میان فرهنگ‌نامه‌ها ابزاری کاربردی برای محققان و طالبان علم‌اند تا هم به فهم صحیح و سریع این اصطلاحات و مطالب برای هماهنگی با جامعه علمی کمک کنند و هم یاری‌رسان آن‌ها در جست‌وجو و پژوهش‌های بعدی باشند. موضوع این مقاله نقد و بررسی کتاب فرهنگ اصطلاحات علم کلام؛ کلام اسلامی، کلام جدید، ادیان و مذاهب اثر مسلم محمدی، دانش‌آموخته رشته کلام و فلسفه، است. بنابراین ضمن معرفی کلی کتاب به برخی از ویژگی‌های ساختاری و محتوایی و جنبه‌های مثبت و منفی آن اشاره می‌شود. در نگاهی نقادانه، مقالات کتاب از جهت اتقان متن، صحت، و قوت مستندات و میزان بهره‌گیری از منابع و مآخذ معتبر واری شده‌اند. حاصل آن‌که در کتاب از نظر شکل، محتوا، و همچنین رعایت اصول روش تحقیق برخی اشکالات یافت شد؛ در نتیجه این کتاب نتوانسته است رسالت خود را در تبیین و توصیف برخی از اصطلاحات علم کلام به‌خوبی به‌انجام برساند و کلیت آن نمی‌تواند منبعی مورداعتماد برای گزینش دانش پژوهان باشد. در پایان، پیش‌نهادهایی برای رفع کاستی‌ها و اعتلای اثر مذکور ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ اصطلاحات، کلام اسلامی، کلام جدید، ادیان و مذاهب، مسلم محمدی.

* دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی و عضو هیئت علمی (مربی) پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات، shbaghini@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۰۵

۱. مقدمه

فرهنگ‌نامه‌ها، با توجه به محدودیت اطلاعاتشان در مقایسه با دانش‌نامه‌ها و دایرةالمعارف‌ها^۱، برای متخصصان و دانش‌پژوهان هم‌چون کتاب‌خانه‌ای کوچک و قابل‌حمل از ابزارهای اولی و دائمی و کاربردی‌ترین مرجع برای دستیابی سریع و آسان به اطلاعات موردنظر به‌شمار می‌روند. استفاده از فرهنگ‌نامه‌ها سهل و آسان است، اما تهیه و تدوین آن‌ها بسیار مشکل و طاقت‌فرساست؛ چراکه مستلزم رعایت نکات بسیاری برای حفظ کارایی و وثاقت آن است، هم‌چون اتقان متن، صحت مستندات، و بهره‌گیری از منابع و مآخذ معتبر و متنوع. حال باید دید آیا کتاب فرهنگ اصطلاحات علم کلام؛ کلام اسلامی، کلام جدید، ادیان و مذاهب رسالت خود را در تبیین و توصیف اصطلاحات علم کلام به‌خوبی به‌انجام رسانیده است تا منبعی مورداعتماد برای گزینش دانش‌پژوهان باشد؟

نکته‌شایان ذکر این‌که در تألیف مقالات در بیش‌تر فرهنگ‌نامه‌ها عده‌ای از دانشمندان و متخصصان هم‌کاری می‌کنند تا توضیح و تعریف هر اصطلاح مستوفی، کامل، و جامع باشد؛ از این‌رو تدوین آن به‌دست یک محقق به‌تنهایی کم‌تر کانون توجه پژوهش‌گران است. با توجه به این نکته اقدام پدیدآورنده کتاب مذکور مبنی بر تهیه این فرهنگ‌نامه قابل‌تقدیر است و می‌توان آن را نشان از توان و تسلط ایشان بر منابع و موضوعات متنوع علم کلام دانست. داشتن نویسنده واحد دارای نقاط قوت و ضعف خاص خود است؛ زیرا اگرچه نگارش آن با شیوه و قلم واحد هم‌راه است، احتمال بروز برخی خطاها نیز در آن بیش‌تر می‌شود.

به همین دلیل نویسنده این سطور بنابر تقاضای گروه تخصصی فلسفه و کلام اسلامی «شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی» و با توجه به استقبال معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی از دیدگاه‌ها، پیش‌نهادها، و انتقادهای که در «سخن‌آغازین» کتاب به آن اشاره شده است (محمدی ۱۳۹۳: ۶) نکاتی را با اذعان به تلاش شایسته نویسنده محترم در ارائه اثری جامع تقدیم می‌دارد. البته با توجه به ساختار مجموعه موردبررسی که دارای مقالات گوناگون و مستقل است هر یک از مقاله‌های آن جای بررسی دارد، اما در این مجال تنها به برخی موارد محتوایی و بعضی ابعاد شکلی به‌صورت جداگانه اشاره می‌شود. با این توضیح که بعضی موارد فراگیر است و شامل بیش‌تر قسمت‌ها یا کل کتاب می‌شود و برخی دیگر به یک یا چند مدخل مربوط است که موارد آن با ذکر نمونه مشخص می‌شود.

پیش از بررسی کتاب توجه به نکته‌ای دیگر لازم به‌نظر می‌رسد و آن این‌که فرهنگ‌نامه‌ها در موضوع کلام قالب‌ها و اهداف متفاوت دارند؛ زیرا هرکدام براساس

انتخاب برخی از رده‌ها و سرعنوان‌های مختلف مانند اعلام، اصطلاحات، فرق، مذاهب، مکاتب، ادیان، و مسائل قدیم و جدید کلامی تنظیم و تدوین می‌شوند و با عنایت به تنوع و گستردگی رده‌ها نمی‌توان فرهنگی یافت که شامل تمام رده‌های موضوعی باشد (به‌جز دانش‌نامه‌ها). برای مثال کتاب موردبررسی بدون سرعنوان اعلام تنها اصطلاحات کلام قدیم و جدید هم‌چنین ادیان و مذاهب را بررسی کرده است.

در بین فرهنگ‌های موجود در موضوع کلام (بدون در نظر گرفتن فرهنگ لغات و دانش‌نامه‌ها) برخی فرهنگ‌نامه‌ها شامل مجموعه‌ای از اصطلاحات فلسفی همراه با واژه‌های کلامی اند، هم‌چون فرهنگ علوم عقلی: شامل اصطلاحات فلسفی، کلامی، و منطقی؛ و فرهنگ علوم فلسفی و کلامی اثر سیدجعفر سجادی و بعضی دیگر به‌طور اختصاصی اصطلاحات علم کلام را تبیین و تعریف کرده‌اند، مانند فرهنگ علم کلام، شرح لغات و اصطلاحات و اعلام علم کلام اثر احمد خاتمی که در سال ۱۳۷۰ به جمع‌آوری لغات و اصطلاحات و اعلام علم کلام در یک مجلد با رعایت اختصار و دوری از طرح جامع مسائل کلامی و معرفی منابع و مآخذ برای مطالعه بیشتر اقدام کرده است (خاتمی، ۱۳۷۰). کتاب موردبررسی نیز فرهنگ‌نامه‌ای اختصاصی در موضوع کلام است که اصطلاحات کلامی را در سه بخش تفکیک کرده است.

۲. معرفی کلی اثر

کتاب فرهنگ اصطلاحات علم کلام؛ کلام اسلامی، کلام جدید، ادیان و مذاهب از سلسله کتاب‌های منتشرشده نشر معارف است که به‌قلم مسلم محمدی و به‌سفرارش معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی به‌عنوان کتاب مرجع در علم کلام نگاشته شده و نخستین بار در سال ۱۳۹۳ در ۳۸۴ صفحه در قطع وزیری با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه و جلد زرکوب (گالینگور) به‌چاپ رسیده است. این کتاب ویراست دوم فرهنگ اصطلاحات علم کلام است که در سال ۱۳۹۰ از سوی دانشگاه معارف اسلامی منتشر شده بود. ویراست جدید کتاب را سیدسعید روحانی بازبینی نهایی کرده و ابوالفضل علیدوست ویرایش آن را به‌عهده داشته است.

پدیدآورنده کتاب، آقای مسلم محمدی، دارای دکترای رشته کلام و فلسفه، گرایش کلام اسلامی، از مؤسسه تخصصی کلام اسلامی (تحت اشراف آیت‌الله العظمی سبجانی) و عضو هیئت علمی گروه شیعه‌شناسی پردیس فارابی دانشگاه تهران است. مجموعه فعالیت‌های

علمی وی (شامل انتشار کتاب، مقالات علمی پژوهشی در نشریات علمی - پژوهشی و تخصصی داخل و خارج کشور، عضویت در مجموعه‌های علمی، انجام پروژه‌های تحقیقاتی، و تدریس) که حاکی از پیشینه فکری اوست در زمینه کلام جدید و قدیم و اخلاق بوده است.

اثر حاضر، پس از مقدمه‌ای کوتاه در سه بخش، اهم اصطلاحات کلامی انتخاب شده براساس دو اصل شایع بودن و نیاز جامعه را بررسی و شرح کرده است. در مجموع ۱۴۱ اصطلاح گردآوری شده است که از این تعداد ۱۰۸ مدخل در موضوع کلام اسلامی، ۱۲ مدخل درباره کلام جدید که تنها دربرگیرنده برخی اصطلاحات مهم است، و ۲۱ مدخل در موضوع ادیان و مذاهب به ترتیب حروف الفبایی ثبت شده است. محور تعریف واژه‌ها در بخش کلام اسلامی تا حد زیادی براساس آثار استاد مطهری است، بدین معنا که طرح نظریات ایشان در این اثر اولویت دارد. معادل انگلیسی اصطلاحات نیز در مقابل هر واژه آورده شده است که از کتاب فرهنگ اصطلاحات فلسفه، تألیف دکتر سید محمود موسوی، اقتباس شده است. هم‌چنین علاوه بر فهرست مطالب و منابع دارای واژه‌نامه فارسی و لاتین نیز است.

این کتاب، بنابر آنچه در مقدمه به آن اشاره شده است، نه فرهنگ لغت (معجم) است و نه دانش‌نامه (دائرةالمعارف)، بلکه فرهنگ‌نامه است، فرهنگ‌نامه‌ای در حوزه علم کلام^۳. این کتاب فرهنگ لغت به معنای لغت‌نامه نیست، چراکه دارای اطلاعات بیش‌تر از آن است؛ هم‌چنین دانش‌نامه نیست، زیرا در زمینه اطلاع‌رسانی محدودتر از آن است.

شیوه به‌کاررفته در این اثر برای نگارش مطالب ذیل هر مدخل شیوه گردآوری است. دیدگاه حاکم بر بخش کلام اسلامی دیدگاهی شیعی است، از این رو دارای مدخل‌هایی است که از اختصاصات اعتقادی شیعه به حساب می‌آیند، مانند انتظار فرج، اهل بیت، بدا، تقیه، تولی و تبری، رجعت، شفاعت، و ولایت.

۳. بررسی شکلی

۱.۳ امتیازها

عنوان کتاب گویا و طرح جلد ساده و مناسب است. معرفی و بیان هدف کتاب در پشت جلد را نیز می‌توان از امتیازهای آن برشمرد. کیفیت چاپ این اثر از جهت حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، و صحافی مناسب است و قواعد عمومی نگارش و ویرایش در کل اثر

به خوبی رعایت شده است، اما خالی از خطا نیست. وجود مؤلفه‌های صوری مانند سخن آغازین، مقدمه، فهرست مطالب، فهرست منابع و مآخذ، هم‌چنین درج معادل‌های انگلیسی اصطلاحات به‌همراه واژه‌نامه فارسی و لاتین از نقاط قوت این مجموعه است. پرهیز از سوگیری و جانب‌داری نیز در این اثر رعایت شده است.

۲.۳ کاستی‌ها

۱. کار ویرایش و بازبینی کتاب را باید ستود، اما در مواردی بسیار محدود مروری دیگر بر اغلاط چاپی لازم است، مانند: صفحه ۸۶ سطر ۲ کلمه «حقیقی»؛ صفحه ۱۱۱ سطر ۳ عبارت «در این نبوی مشهور» که واژه «روایت» جا افتاده است؛ صفحه ۱۲۲ سطر ۵ کلمه «حاکمی» که درست آن «خاکمی» است؛ صفحه ۱۲۸ سطر ۱۷ در عبارت «آنان به‌جای اخلاق عملی و فلسفی» واژه «علمی» مطابق با متن کتاب *آشنایی با علوم اسلامی* باید به‌جای «عملی» باشد. هم‌چنین ایجاد فاصله بین دو کلمه یا بین علائم و واژه بعد از آن‌ها مانند: صفحه ۱۰۰ سطر ۲ «خداو»؛ صفحه ۱۱۱ سطر ۱۱ کلمه «استکه»؛ صفحه ۱۲۹ سطر ۱۷ «و نه شفاعت، طبیعت»؛ صفحه ۱۳۳ سطر ۱۹ «دراسلام»؛ صفحه ۱۶۵ سطر ۱۹ «راجز»؛

۲. سهولت جست‌وجو برای استفاده‌کننده از هدف‌های بارز فرهنگ‌نامه‌هاست؛ بنابراین لازم است عنوان مدخل‌ها نسبت به عناوین ذیل آن برجسته و متمایز باشد، تا امکان بازیابی سریع‌تر واژه موردنظر فراهم آید. این درحالی است در این کتاب موضوعات تحت مدخل‌ها از نظر صوری با شیوه‌های گوناگون آورده شده است، به‌گونه‌ای که در مواردی عنوان مدخل با عنوان موضوعات جزئی ذیل آن از جهت اندازه قلم برابر است (مانند مدخل‌های: اصول دین، اعاده معدوم، امامت، بدعت، برزخ، برهان صدیقین، تجسم اعمال، توحید صفاتی، توسل، جاهل قاصر و مقصر، جبر، و ...)؛ و در بعضی موارد موضوعات جزئی با قلمی کوچک‌تر از قلم عنوان مدخل آورده شده است و برای جداسازی آن از متن زیرعنوان پررنگ (بُلد) شده و مطلب آن بعد از علامت «:» در ادامه همان سطر آمده است (مانند مدخل‌های: اهل بیت، عالم ذر، غیب، قضا و قدر، کفر، موت، و نبوت)؛ و در موارد دیگر، هر دو روش گذشته به‌کار رفته است (مانند مدخل‌های: اتفاق، حسن و قبح عقلی، معجزه، و وحی). این ناهماهنگی در شیوه نشان‌دادن سرعنوان‌ها و زیرعنوان‌ها موجب کندی در کار بازیابی می‌شود، چراکه در جست‌وجوی اولیه ممکن است ریزموضوعات به‌اشتباه به‌جای عنوان اصلی در نظر گرفته شود، درحالی‌که در ترتیب الفبایی قرار ندارد و در یافتن اصطلاح موردنظر مشکل ایجاد کند؛

۳. مواردی وجود دارد که به نظر می‌رسد ذکر عنوانی ذیل عنوان مدخل یا اصلاً ضرورتی ندارد یا عنوانی رساتر نیاز دارد (مانند مدخل‌های: احباط، زیرا حدود یک صفحه مطلب درباره این اصطلاح تماماً نکته است و توجه‌دادن به بخشی از آن با عنوان «نکته» لزومی ندارد؛ خاتمیت؛ دین زرتشت که یکی از زیرعنوان‌های آن خود دین زرتشت است، یعنی عنوان مدخل با زیرعنوان یکی است)؛

۴. باتوجه به ساختار فرهنگ‌نامه‌ای کتاب موردبررسی یک‌دستی در سراسر متن مصادیق متفاوتی را شامل می‌شود؛ بعضی از آن‌ها مربوط به ابعاد شکلی و برخی به نوعی مربوط به محتواست. از موارد نایک‌دستی شکلی می‌توان به ناهماهنگی در جای مشخص برای جمله «به اصطلاح ... رجوع شود.» اشاره کرد، زیرا این جمله در بعضی موارد (مانند صفحات ۴۱ و ۱۶۸) از توضیحات مدخل جداست و به‌طور مشخص سرخط آمده است، اما در مواردی (مانند صفحات ۸۱، ۸۷، ۸۹، ۷۶، ۹۸، ۱۹۹) در ادامه مطلب مدخل آمده است. در مواردی نیز در پاورقی ذکر شده است (مانند صفحه ۹۵). بهتر است همه موارد مطابق نمونه اول هماهنگ شود؛ ضمن آن‌که در بیش‌تر مدخل‌هایی که به دیگر مدخل‌ها ارجاع شده است جمله مذکور در انتهای مطلب مدخل است، درحالی‌که مواردی (مانند اصطلاح «وحی» و «ولایت») نیز یافت می‌شود که این جمله در بین توضیح مطالب آن‌ها آورده شده است. از موارد نایک‌دستی در محتوا نداشتن الگویی برای ساختار منطقی مقالات یک بخش است. تبعیت از الگویی برای ساختار مقالات به نویسنده در ارائه نظام‌مند مقاله کمک و وی را از آشفتگی نوشتاری دور می‌کند. برای مثال اگر ساختار مقاله این‌گونه تعیین شود که بعد از سرشناسه معنای لغوی، معنای اصطلاحی یا تعریف اصطلاح، انواع و اقسام، و سپس دیدگاه‌ها و ادله (قرآنی، روایی، موافقان، و مخالفان)، و ... آورده شود، مقاله براساس این الگو فراخور اطلاعات هر واژه تنظیم می‌شود و شکل می‌گیرد و شاکله مقاله با نظمی منطقی و انسجامی درونی همراه خواهد بود. اما وجود نداشتن چنین الگویی باعث شده است تا در مدخل‌هایی هم‌چون بدعت، فطرت، و علم کلام نظم خاصی مشاهده نشود و تعریف اصطلاح در مدخل‌های بدعت و فطرت وسط مقاله و در دیگری آخر مقاله بیاید. یا مثلاً اگر در معرفی ادیان و مذاهب الگویی در نظر گرفته می‌شد، خواننده اطلاعات منسجم و مشخصی را به دست می‌آورد؛ اطلاعاتی هم‌چون: پایه‌گذار یا رهبر، تاریخچه پیدایش، اصول اعتقادی یا اهم عقاید، معرفی کتاب دین (زبان، موضوعات، و بخش‌های آن)، یا کتاب درباره مذهب، فرقه‌ها، نام خدا در آن دین، اسم معابد، قبله، و ... این درحالی است که مقالات مدخل‌های این بخش به‌طور خاص و دیگر بخش‌ها عموماً هرکدام ساختار خاص

خود را دارند و از الگوی مشخصی تبعیت نمی‌کنند. رعایت نکردن استفاده از الگوی مشخص موجب شده است تا اصطلاحات به گونه‌های مختلف تبیین شوند و با مطالب گوناگون هم‌چون موارد ذیل آغاز شوند:

- شروع با معنای لغوی یا اصطلاحی (مانند مدخل‌های الهام، امامت، امی، نظام احسن، شیطان)؛
- شروع با بیان انواع و اقسام (مانند مدخل‌های جاهل قاصر و مقصر، حدوث و قدم، صفات ذاتی و فعلی)؛
- شروع با توضیحاتی درباره کاربرد اولیه واژه یا پیشینه تاریخی آن (مانند مدخل‌های امر بین‌المرین)؛
- شروع با توضیحات کلی دیگر (مانند مدخل‌های تجسم اعمال، وحی، حیات الهی، خاتمیت، بدن مثالی).

۴. بررسی محتوایی

۱.۴ امتیازها

۱. با توجه به این که در حال حاضر فرهنگ یا دانش‌نامه‌ای مستقل در این موضوع منتشر نشده است، افزودن بخش کلام جدید در کنار اصطلاحات کلام از مزیت‌های این کتاب محسوب می‌شود؛

۲. اضافه کردن بخش ادیان و مذاهب نیز از ویژگی‌های این اثر است. اگرچه فرهنگ‌نامه‌های اختصاصی مانند فرهنگ جامع ادیان و مذاهب اثر عباس قدیانی و فرهنگ جامع فرق اسلامی اثر سیدحسن خمینی به چاپ رسیده است، وجود مدخل‌های شایع و موردنیاز دانش پژوهان (مانند ادیان ابراهیمی، دین زرتشت، و برخی مذاهب فقهی مانند زیدیه و برخی مذاهب اعتقادی مانند معتزله، اشاعره، مرجئه و شیعه و برخی فرق اسلامی) در کنار اصطلاحات کلام خواننده را تا حدی از مراجعه به دیگر فرهنگ‌ها بی‌نیاز می‌کند؛

۳. از ویژگی‌های این اثر استفاده و مبنا قرار دادن آثار استاد مطهری در تبیین و تنظیم مقالات بخش کلام اسلامی است. البته این ویژگی را می‌توان از یک جهت نقطه قوت و از جهت دیگر نقطه قابل انتقاد اثر در نظر گرفت (در قسمت کاستی‌های محتوایی موارد به تفصیل بررسی می‌شود)؛ زیرا از یک سو آثار شهید مطهری دارای مشخصه‌هایی هم‌چون قلم

روان با اسلوب تحقیقی، توانا در تحلیل و انتقال مفاهیم ژرف دینی، و دربرگیرنده موضوعات متنوع و گسترده است و بدین لحاظ بهره‌گیری از این آثار می‌تواند نقطه قوت کتاب حاضر در نظر گرفته شود؛ اما باید توجه داشت که این ویژگی‌ها بیش‌تر مربوط به برخی از آثار استاد است که شخص ایشان به‌رشته تحریر درآورده است و در همان زمان حیاتشان منتشر شده است؛ زیرا بخش عمده‌ای از آثار بعد از شهادت چاپ شده است که در واقع سخنرانی‌ها و درس‌های ضبط‌شده استاد پس از پیاده‌سازی نوارهاست (بیدهندی ۱۳۶۳)، درحالی‌که شهید مطهری معتقد بودند سخنرانی‌ها و مقالات برای چاپ مناسب نیستند و نیازمند بازبینی و اصلاح‌اند (مطهری ۱۳۸۹ ب: ۱۶). بنابراین برای استفاده از این بخش از آثار استاد باید دقت بیش‌تری انجام گیرد، به‌خصوص برای اثری که قرار است مرجع طالبان علم و محققان باشد. شایان ذکر است که نویسنده برای تهیه مطالب خود را تنها به آثار این شهید بزرگوار محدود نکرده است و با آنچه در فرهنگ مطهر انجام شده است متفاوت است. فرهنگ مطهر فرهنگی عام به‌صورت الفبایی است، مشتمل بر تعریف و توضیح تعابیر، اصطلاحات، و مفاهیم مستخرج از آثار شهید مطهری درباره مسائل گسترده و متنوع علوم انسانی (جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، روان‌شناسی، و ...) و علوم دینی (در حوزه فلسفه اسلامی، فلسفه غرب، کلام، تفسیر، فقه و اصول، منطق، صرف و نحو، حدیث، اخلاق، تعلیم و تربیت، و قرآن‌پژوهی). از این رو اصطلاحات مبحث کلام تنها بخش کوچکی از این فرهنگ را شامل می‌شود که برای تبیین آن‌ها صرفاً به آثار استاد بسنده شده است. این درحالی است که بهره‌گیری شهید مطهری از واژه‌ها و اصطلاحات همه‌جا جنبه علمی نداشته است و در مقام تعریف دقیق منطقی کلمه نبوده است (زکریایی ۱۳۷۸: ۳۰).

۲.۴ کاستی‌ها

برای ارزیابی وثاقت فرهنگ‌نامه‌ها ملاک‌هایی وجود دارد که رعایت آن اصول می‌تواند به کاربردپذیری و ثبات فرهنگ‌نامه کمک کند. اصولی از جمله: ارائه تعریف دقیق (جامع و مانع)، تعیین جایگاه اصطلاح در نظام کلی بحث، روان‌بودن عبارات به‌منظور سهولت انتقال، رعایت ایجاز، و پرهیز از اطناب و تکرار، مستندسازی همه بخش‌های یک فقره اصطلاح، و هم‌چنین یک‌دستی در سراسر متن. برخی از انتقادات وارد به کتاب مورد بررسی مصادیقی از رعایت نکردن هر یک از ملاک‌های فوق‌باتوجه به ساختار فرهنگ‌نامه‌ای کتاب است و برخی دیگر بدون در نظر گرفتن ساختار کتاب متوجه خود محتوا از جهت معنایی است که به شرح ذیل است:

۱.۲.۴

تعیین جایگاه هر واژه یا اصطلاح در بحث کلامی، ضمن نمایش روابط بین مفهومی، دیدگاهی کلی برای خواننده درباره موضوعات آن ایجاد می‌کند. این مهم با عبارتی کوتاه (سرشناسه) در معرفی جایگاه مدخل محقق می‌شود. این کار به شکل دهی و تنظیم ساختار فکری دانش‌پژوه برای شناخت جایگاه یک اصطلاح در نظام کلامی کمک می‌کند؛ هم‌چنین از آشفتگی ذهنی جلوگیری می‌کند. در اثر حاضر مواردی هست که جایگاه اصطلاح در بحث مشخص شده است، اما این نکته شامل تمام مدخل‌ها نمی‌شود.

- نمونه‌های مناسب برای بیان سرشناسه، مانند مدخل‌های نبوت، قاعده لطف، عصمت، شفاعت؛
- نمونه‌های رعایت نشدن الگوی استفاده از سرشناسه، مانند مدخل‌های هدایت، ولایت، معجزه، معاد، فیض الهی.

۲.۲.۴

یکی از اصولی که باید در فرهنگ‌ها رعایت شود خالی‌بودن از حشو و اضافه و تکرار مطالب است، اما مواردی از تکرار در اثر مورد بررسی مشاهده می‌شود. برای نمونه:

- ذیل مدخل «وحي»، با وجود ارجاع رابطه وحي و تجربه دینی به اصطلاح «تجربه دینی»، حدود یک صفحه مطلب در همین موضوع آمده است و عین همان مطلب در مدخل «تجربه دینی» با کمی پس‌و‌پیش شدن مطالب مجدد آمده است (محمدی ۱۳۹۳: ۱۹۲، ۲۰۸)؛
- ذیل مدخل «برزخ» مطلب پاورقی شماره ۱ دقیقاً در دو صفحه بعد داخل متن تکرار شده است (همان: ۵۵، ۵۷)؛
- اصطلاح «کفر» در آخرین بند مدخل و اصطلاح «اسلام» در دومین بند عیناً تکرار شده است (همان: ۱۷۰، ۲۶۹)؛
- در مدخل «عالم ذر» مطلب اضافی و بی‌ارتباط با اصطلاح درباره رسالت کتاب بیان شده است که جای صحیح آن در مقدمه کتاب است، نه درون مدخل (همان: ۱۳۸).

۳.۲.۴

در مواردی تداخل یا درهم‌ریختگی مطالب دو یا چند اصطلاح مرتبط با هم وجود دارد، از جمله:

- اصطلاح «اختیار» به چهار اصطلاح «امر بین‌الامرین»، «تفویض»، «جبر»، و «قضاوقدر» ارجاع داده شده است. پس از مطالعه ملاحظه می‌شود مطلبی با عنوان «اولین مسئله کلام» ذیل مدخل قضاوقدر آمده است و هم‌چنین دو سطر انتهایی مدخل «جبر» توضیحاتی است که بیش‌تر مرتبط با بحث اختیار است؛ بنابراین شایسته است برای انسجام مطلب و توضیح کافی و وافی مدخل اختیار به توضیحات آن منتقل شوند؛
- درانتهای مدخل «جاهل قاصر و مقصر» معنای «کافر معاند» آورده شده است که زائد است، زیرا در مدخل «کفر» معنای آن در انواع کفر ذکر شده است؛
- ذیل مدخل «کفر» مطلبی درباره حقیقت اسلام است که بهتر است به مدخل «ایمان» یا «اسلام» منتقل شود؛
- مدخل «ضلالت» به دو اصطلاح «هدایت» و «برهان هدایت» ارجاع داده شده است. سه معنا برای اضلال در مدخل «هدایت» آورده شده است که بهتر بود در همان مدخل مربوط به «ضلالت» ذکر می‌شد.

۴.۲.۴

در انتهای برخی از اصطلاحات برای اطلاع و توضیح بیش‌تر به اصطلاحات مرتبط دیگر ارجاع داده شده است، اما در بعضی موارد با مراجعه به مدخل مرتبط یا اطلاعی بیش‌تر از آنچه در خود مدخل آمده به دست نمی‌دهد (مانند ارجاع مدخل «جهان‌بینی توحیدی» به «اسلام») یا همان مطلب تکرار شده است (مانند ارجاع «ایدئولوژی» به «جهان‌بینی»). در مواردی هم نیاز به ارجاع به مدخل دیگر لازم بوده است، اما یا این کار صورت نگرفته است (مانند مدخل «جاهل قاصر و مقصر» که در انتهای آن به جای ارجاع به اصطلاح «کفر» توضیحی از آن را آورده است؛ هم‌چنین مانند مدخل «ایمان» و «اسلام») یا فقط یکی از اصطلاحات را ارجاع داده است (مانند مدخل‌های «ابدی بودن خدا»، «ازلی بودن خدا»، و «سرمدی بودن خدا» که تنها اصطلاح آخر به اولی ارجاع داده شده است). مدخل «خیر» به اشتباه به جای ارجاع به «شر» به خودش ارجاع داده شده است.

۵.۲.۴

در توضیح برخی اصطلاحات تناقضاتی به نظر می‌رسد که چند نمونه آن به شرح ذیل است:

- در مدخل «امامت» صفحه ۳۸ سطر ۱۹ می‌گوید: «از نظر ما مرده و زنده امام فرقی ندارد» (ضمن آن‌که استفاده از ضمیر «ما» در کتابی با ساختار فرهنگ‌نامه صحیح

نیست، زیرا مرجع آن مشخص نیست)، اما در مدخل «شُرک» صفحه ۱۲۵ سطر ۱۱ می‌گوید: «اعتقاد به درک داشتن مرده و سلام کردن به او و تعظیم کردن و احترام کردن او و خواندن و ندا کردن او و درخواست از او شرک است؛ ...» (مطهری ۱۳۸۹ و: ۷۱). هر دو مطلب به ظاهر متناقض از آثار استاد مطهری برداشت شده است، اما تناقض ایجاد شده به آرای ایشان بر نمی‌گردد، چراکه مطلب دوم در ضمن بحث کاملی (مرز بین توحید و شرک) در جای خود با بیان مقدمات، ارائه مثال، و نتیجه‌گیری صحیح بیان شده است و آنچه در این کتاب موجب تناقض این مطالب شده است برداشت ناقص مطلب است، به گونه‌ای که ابتدا و انتهای بحث نیامده است؛

- در پاورقی شماره ۲ صفحه ۷۹ (ضمن آن‌که جای صحیح شماره ۲ تک مربوط به این پاورقی روی کلمه مفوضه در سطر بعدی است) گفته است: «انتساب تفویض به معتزله جای تأمل دارد» و در صفحه ۸۳ سطر ۷ مفوضه را مترادف با معتزله گرفته است؛

- صفحه ۸۳ سطر ۱۵ احدیت را نفی تجزی و انقسام در ذات بسیط الهی و واحد را نفی شریک و شبیه ذات الهی دانسته است، اما در صفحه بعد سطر یک از دیدگاه علامه طباطبایی گفته است: احد امکان فرض تعدد را نفی می‌کند و واحد این‌گونه نیست.

۶.۲.۴

مواردی وجود دارد که تنها ذکر شده است که در قرآن یا روایات این نکته آمده است، بدون ذکر آیه و نشانی دقیق آن یا حدیث مربوط و سند آن. موارد ذکر شده از قرآن مانند صفحات ۲۰، ۸۰، ۱۶۴، ۱۹۱ و موارد ذکر شده از حدیث یا روایت مانند صفحات ۲۰، ۱۹۱، ۱۶۸، ۵۶.

۷.۲.۴

یکی دیگر از کاستی‌های کتاب مورد بررسی مربوط به ارجاعات و پانوشت‌هاست. آنچه مشخص است این‌که اعتبار نوشته‌های علمی به مستند کردن آن‌ها به نقل قول‌ها، ارجاعات، و پانوشت‌ها بستگی دارد. مسئله مستند نویسی برای امکان بازیابی و بررسی مقالات از مهم‌ترین اصولی است که لازم است در فرهنگ‌نویسی لحاظ شود، به صورتی که هیچ مطلبی بدون سند ذکر نشود. در ضمن شیوه ارجاع مستندات باید هماهنگ و علمی باشد. این ارجاع دقیق و علمی برای پژوهشگران بسیار مفید است.

در شیوه صحیح ارجاع، برای نقل قول مستقیم (نقل عین مطلب و بدون کم‌ترین دخل و تصرف) و نقل قول غیرمستقیم (با تصرف و تغییراتی در مطالب نقل شده) لازم است نقل قول کوتاه، مهم، و معتبر باشد، داخل گیومه قرار داده شود، و منبع دقیق آن ذکر شود؛ و برای نقل قول‌های بلند (بیش از چهل کلمه) باید متن نقل قول با حروف ریزتر از متن کتاب و با تورفتگی حدود یک سانتی‌متر از طرف راست و بدون گیومه تنظیم شود (ذوالفقاری ۱۳۹۲: ۳۳-۳۴).

در اثر حاضر با توجه به استفاده از شیوه گردآوری به کتاب‌های زیادی رجوع و برداشت‌های مختلفی از آن‌ها شده است. البته این برداشت‌ها با ذکر منبع هم‌راه است، اما برای داوری و اظهار نظر برای سنجش میزان وثاقت ارجاعات لازم دیده شد منابع چندین مقاله بررسی دقیق شود تا هم شیوه ارجاع و هم نحوه برداشت‌ها از کتاب‌های مختلف سنجیده شود. از آن‌جاکه ارائه گزارش کامل این بررسی در گنجایش این مقاله نیست، تنها به ذکر چند مورد از آن‌ها بسنده می‌شود. آنچه در ارجاعات کتاب مذکور در بیش‌تر موارد به چشم می‌آید ذکر ارجاع کلی به صورت تنظیم پانویس برای تمام مطالب مقاله یا در آخر هر صفحه از مقاله است. این پانویس شامل مشخصات چندین سند با صفحات مختلف است، بدون این‌که مشخص باشد دقیقاً هر کدام از سندها یا صفحات مربوط به کدام بند است. یعنی در موارد زیادی منبع بلافاصله بعد از مطلب در پانویس ذکر نشده و منابع با صفحات مختلف در آخر مقاله یا آخر یک صفحه به صورت ارجاعی کلی بیان شده است.

نمونه برای روش ارجاع و نحوه برداشت: در پایان مدخل امامت (صفحه ۳۹) به سه کتاب از شهید مطهری با چندین شماره صفحه مختلف ارجاع داده شده است؛ این ارجاع به تمام مطلب مدخل برمی‌گردد، اما در وسط مقاله به کتاب‌های دیگر نیز ارجاع شده است، به طوری که اولین بند این مقاله (صفحه ۳۵) از صفحه ۴۶ کتاب امامت و رهبری برداشت شده است، اما بند بعد از آن در همان صفحه و دو بند اول از صفحه بعد، بلافاصله پس از ذکر مطلب، به منبع خود ارجاع شده است. پس از آن تا دو صفحه دیگر مجدداً اقتباس از صفحات مختلف امامت و رهبری است، بدون این‌که مشخص باشد دقیقاً هر مطلب از چه صفحه‌ای برداشت شده است؛ حتی زیرعنوان‌ها نیز از آن‌جا برداشت شده است، با این تفاوت که عنوان‌های شماره‌گذاری شده در صفحات ۳۷ و ۳۸ با اعمال تغییراتی نامفهوم شده است؛ زیرا شهید مطهری در کتاب خود با شماره‌گذاری این چند عنوان قصد بیان معانی مختلف امامت را داشته و عنوانی گویا برای آن‌ها انتخاب کرده است. آن عناوین عبارت‌اند از «امامت به معنی رهبری اجتماعی»، «امامت به معنی مرجعیت دینی»، و «امامت

به معنی ولایت»، حال آن که مبنای شماره گذاری این عنوان‌ها در این کتاب مشخص نیست و به «معانی امامت رهبری اجتماع»، «مرجعیت دینی»، و «ولایت» تبدیل شده‌اند که اولی نامفهوم و اشتباه است و دومی و سومی مبنای شماره گذاری را نشان نمی‌دهند (مطهری ۱۳۷۰: ۵۰-۵۸). دو بند انتهایی مقاله نیز از کتاب *امدادهای غیبی در زندگی بشر* برداشت شده است (مطهری ۱۳۹۰ ب: ۱۱۰، ۱۱۲). هم‌چنین در پاورقی این مقاله به کتاب *آشنایی با علوم اسلامی* نیز ارجاع شده است، اما با رجوع به این کتاب مطلبی مرتبط با موضوع مقاله یافت نشد، ضمن آن که تمام مطالب مقاله با دو کتاب دیگر استاد شهید کاملاً مطابقت داده شد و مطلبی دیگر بدون مرجع باقی نمانده بود؛ بنابراین به نظر می‌رسد ارجاع به این کتاب به اشتباه در این جا آمده است؛

نمونه دیگر برای روش ارجاع و نحوه برداشت: در مدخل «اسلام» عمده مطالب اقتباس از *دانش نامه کلام اسلامی* به صورت نقل قول غیر مستقیم یا نقل به مضمون است، اما اقتباسی ناقص: برای نمونه در معرفی اصول دین تنها به سه اصل توحید و نبوت و معاد اشاره شده است و با وجود ذکر دو اصل عدل (از اصول شیعه و معتزله) و امامت (از اصول اعتقادی شیعه) در متن اصلی، مؤلف کتاب حاضر، با وجود رویکرد شیعی، این دو اصل را حذف کرده است. هم‌چنین در بیان دیدگاه اسلام درباره اقتصاد بندهای ۴ و ۵ در متن اصلی زیر مجموعه‌های بند ۳ هستند، حال آن که در این متن به صورت بندهای اصلی در نظر گرفته شده‌اند. در ضمن جملاتی از این مدخل با اعمال تغییراتی غیرروان شده است؛ نمونه آن دو سطر پایانی صفحه ۲۶۹ است که در آن سه بار «مبانی و اصول» تکرار شده است، در حالی که در متن اصلی این گونه نیست (سبحانی ۱۳۸۷: ۲۵۳). نکته دیگر این که برای بخشی از مطالب این مدخل منبعی ذکر نشده است؛ مانند بندهای «ز» تا «ط» در صفحه ۲۷۰ و مطالب تحت دو عنوان شماره ۵ و ۶ در صفحه ۲۷۱؛

نمونه برای روش ارجاع: در مدخل «برهان فرجه» تمام مطلب غیر از بند آخر از کتاب *اصول فلسفه و روش رئالیسم* است (مطهری ۱۳۹۰ الف: ۱۵۶). آخرین بند از کتاب *مقالات فلسفی* است (مطهری ۱۳۸۹ د: ۳۱۲). صحیح این است که پس از اتمام برداشت از کتاب اول نشانی آن در پاورقی بیاید، سپس در پایان اقتباس از کتاب دوم در پاورقی دیگر نشانی آن ذکر شود. ضمن آن که آخرین سند ذکر شده در تنها پاورقی این مقاله نشانی از کتاب *شرح اصول کافی* است که ظاهراً فقط برای تعیین نشانی حدیث اصول کافی (که تقریر این برهان براساس آن حدیث انجام شده است) آمده است؛ زیرا در *اصول فلسفه و روش رئالیسم* نیز اشاره کلی به حدیث کافی در مبحث توحید شده است، بدون این که به متن حدیث اشاره‌ای شود؛

نمونه دیگر برای روش ارجاع: برای مقاله «برهان مناظ کثرت» تنها یک سند ذکر شده است که بخشی از آن به شیوه نقل قول‌های بلند تنظیم شده است، اما با بررسی دقیق‌تر مشخص می‌شود بقیه مطلب نیز ادامه همین نقل قول است که لازم بود با همان شیوه حروف چینی می‌شد، چراکه در نگاه ابتدایی این‌طور به نظر می‌رسد که ادامه مطلب به قلم مؤلف کتاب است، نه ادامه نقل قول. در ضمن نویسنده تقریر این برهان را که از ادله توحید است به استاد مطهری منتسب کرده است، در حالی که ایشان خود برهان را از قول ابن سینا نقل می‌کند، ضمن آن‌که این برهان در این کتاب از براهین خدائشناسی معرفی شده است. نکته دیگر درباره این مقاله به عنوان این مدخل برمی‌گردد، از آن‌روکه استاد شهید در مقالات فلسفی چند دلیل اقامه شده از سوی حاجی سبزواری در منظومه را برای بررسی صحت و سقم آن‌ها تحت عنوان ادله توحید ذکر می‌کند، سومین دلیل همین دلیل است که چنین عنوانی برای آن ذکر نکرده‌اند (البته دلیل چهارم یعنی برهان انقسام را جهت دیگر برهان سوم می‌داند) (همان: ۳۰۴)؛

نمونه دیگر برای روش ارجاع: در مدخل «اسماعیلیه» برای سه صفحه آخر آن هیچ منبعی ذکر نشده است؛

نمونه برای نحوه برداشت: در مدخل «برهان ترکیب» که ابتدای آن برداشتی از مقالات فلسفی شهید مطهری است و تقریر صدرالمآلهین از این برهان در *سفر* را بیان می‌کند پاورقی موجود در کتاب بعد از جمله «و کل عرضی معلل فرجع الی کون کل منهما عله لوجوب وجوده» به داخل متن منتقل شده است. در واقع از جمله «این بیان هم بنا بر اصالت ماهیت و هم بنا بر اصالت وجود مخدوش است» تا بند سوم، سطر سوم، جمله «... از متباینات بما هی متباینات مفهوم واحد انتزاع شود؟» مطلب توضیحی استاد شهید است که در پاورقی آن را بیان کرده است، اما مؤلف آن را در میان مطلب قبل از اتمام تقریر جای داده است که موجب نامفهومی آن نیز شده است. ضمن این‌که لازم بود حتماً این توضیح بعد از تقریر ملاصدرا آورده می‌شد، زیرا خود استاد در ادامه بیان می‌کنند که ملاصدرا بر این تقریر ایراد می‌گیرد و حاصل آن با آن‌چه در پاورقی نوشته شده است فرقی ندارد (همان: ۳۱۲).

۸.۲.۴

همان‌طور که پیش‌از این در قسمت امتیازات اشاره کردیم، استفاده و مبنا قرار دادن آثار استاد مطهری در تبیین و تنظیم مقالات بخش کلام اسلامی از یک جهت نقطه قوت و از جهت دیگر قابل انتقاد است. بهره‌گیری از آثار استاد مطهری، با وجود تمام مشخصه‌های ویژه این آثار،

نیاز به دقت‌های خاصی دارد که بی‌توجهی به آن‌ها برداشت علمی را با مشکل مواجه می‌کند. در این مقاله با عنوان‌دادن به هریک از این ملاحظات و ارائه توضیح درباره آن نمونه‌هایی از رعایت‌نشدن آن‌ها ذکر می‌شود.

- **تفکیک آثار براساس زمان انتشار:** برای استفاده از آثار استاد مطهری در کتابی مرجع حتماً لازم است به زمان چاپ آن‌ها نیز توجه شود، زیرا بعضی از آثار منتشرشده پس از شهادت ازسوی شخص ایشان بازبینی و اصلاح نشده است و از اتقان موجود در سایر آثار استاد برخوردار نیست، به‌ویژه این‌که در مواردی که نوار مباحث در دست نبوده است (مانند مباحثی از کتاب *الهیات شفا*) از تقریرات شاگردان استفاده شده است (مطهری ۱۳۸۹ ج: ۵، ۱۰). با توجه به توضیحات مذکور، تفکیک‌نکردن این آثار و بی‌توجهی به زمان انتشار آن‌ها موجب شده است تا کتاب حاضر در تبیین بعضی از اصطلاحات به هدف خود در ارائه توضیح و تعریف مستوفی اصطلاح دست نیابد.

برای نمونه مدخل «شبهه ابن‌کمنه» تنها از کتاب *الهیات شفا* برداشت شده است. مطالعه این اصطلاح برای فرد کم‌اطلاع به بحث به‌هیچ‌وجه راه‌گشا نیست و منبع دیگری نیز برای اطلاع بیشتر معرفی نشده است.

مثال دیگر مربوط به مدخل «حدوث و قدم» است. در کتاب حاضر برای تبیین اصطلاح مذکور از خلاصه بحث یکی از مباحث مربوط به حدوث و قدم در کتاب شرح مبسوط منظومه بهره برده شده است (این کتاب نیز براساس جلسات درسی استاد شهید تدوین شده است و ایشان در تدریس‌های خود ابتدا مقدمات بحث و هم‌چنین خلاصه‌ای از مطالب گذشته را توضیح می‌دادند). استفاده از یکی از خلاصه‌های درسی مبحث حدوث و قدم نمی‌تواند برای تبیین آن توضیح جامع و کاملی باشد، زیرا اولین تقسیم ارائه‌شده از حدوث و قدم در کتاب شرح مبسوط منظومه حقیقی یا اضافی‌بودن هرکدام از آن‌هاست (همان: ۳۸۴)، اما در کتاب حاضر، بدون ذکر این تقسیم، در ابتدای توضیح می‌نویسد «تمام موجودات در یکی از این چهار قسم قرار می‌گیرند». سپس تقسیمات «حدوث حقیقی» را قبل از توضیحی درمورد آن بیان می‌دارد.

نحوه ویرایش و دخل و تصرف در عبارات: مؤلف در مقدمه به این نکته اشاره می‌کند که در بیان دیدگاه‌های استاد شهید مطهری در مواردی مجبور به تغییر و تصرفاتی بوده است، از جمله برگرداندن عبارات گفتاری به نوشتاری و ویرایش مطالب. به همین منظور

سعی وی بر این بوده است تا از اصل وفاداری عدول نکند و خللی به اصل نظریات وارد نکند، اما رعایت این اصل در تمام موارد محقق نشده است و در جملاتی این تصرفات موجب غیروان یا اشتباه‌شدن مفهوم جمله شده است. از این رو لازم بود موارد مشکوک با متن اصلی مطابقت داده شود که چند مورد از آن‌ها به‌هم‌راه جمله اصلی از آثار شهید مطهری ذکر می‌شود:

- متن کتاب صفحه ۶۰ سطر ۱۷: «لازم می‌آید که ذات و ماهیت واجب معلل از وجوب وجود منتزع باشد»؛
- متن کتاب مقالات فلسفی: «لازم می‌آید که ذات و ماهیت واجب معلل یعنی منتزع باشد از وجوب وجود (مطهری ۱۳۸۹ د: ۳۱۲).
- متن کتاب صفحه ۶۳ سطر ۲۳: «چون معلول مورد نظر امکان وجود واحد بیش ندارد»؛
- متن کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم: «چون معلول مورد نظر امکان بیش از وجود واحد ندارد» (مطهری ۱۳۹۰ الف: ۱۵۵-۱۵۶).
- متن کتاب صفحه ۶۴ سطر ۶: «عالم اول و نقطه شروعی دارد که قبل از آن نبوده و مطلق بوده است»؛
- متن کتاب توحید: «عالم نقطه شروعی دارد که قبل از آن نیست مطلق بوده است» (مطهری ۱۳۸۹ الف: ۱۴۳).
- متن کتاب صفحه ۶۴ سطر ۱۹: «پس لازمه اعتقاد به خداوند آن است که هستیم، به لانهایی مخلوقات از اول تا به آخر نیز معتقد باشیم»؛
- متن کتاب توحید: «پس ما چون معتقد به خدا هستیم، معتقد به لانهایی مخلوقات از اول تا به آخر هستیم» (همان: ۱۴۴)؛
- متن کتاب صفحه ۶۹ سطر ۸: «به دلیل این که صرافت وجود وحدت و عین امتناع فرض ثانی و مثل را برای ذات واجب اقتضا می‌کند».
- متن کتاب مقالات فلسفی: «و بنابر صرافت وجود، اقتضای وحدت عین امتناع فرض ثانی و مثل است برای او» (مطهری ۱۳۸۹ د).
- متن کتاب صفحه ۷۰ سطر ۸: «به دلیل این که وجود متن خارجیت و واقعیت است و شیء در خارج واقع نمی‌شود، نه واحد باشد و نه کثیر»؛
- متن کتاب مقالات فلسفی: «به دلیل این که "صرف وجود" متن خارجیت و واقعیت است و شیء در خارج واقع نمی‌شود نه واحد باشد و نه کثیر» (همان: ۲۹۶).

- محوریت مباحث براساس آثار استاد مطهری: باتوجه به آنچه مؤلف در مقدمه بیان داشته است که محوریت مباحث تا حد زیادی براساس آثار استاد مطهری است، انتظار این است که حتی الامکان در اصطلاحات یا مسائلی که ایشان رویکرد و نظر خاصی دارند همان مورد توجه قرار گیرد، درحالی که در مواردی خلاف آن مشاهده می شود. برای مثال در مدخل «کلام» موضوع این علم براساس نظر صاحبان شرح مواقف، شرح مقاصد، و گوهر مراد ذات و صفات الهی معرفی شده است، حال آن که از نظر استاد مطهری چون مسائل علم کلام وحدت ذاتی و نوعی ندارند بلکه وحدت اعتباری دارند، پس جست و جوی موضوع واحد برای آن ضرورتی ندارد و علت تداخل مسائل و کلام با مسائل فلسفی، روان شناسی، و اجتماعی را همین امر می داند و می گوید تلاش علمای اسلامی برای یافتن موضوع این علم و ابراز نظریات مختلف در این زمینه اشتباه است، زیرا داشتن موضوع مشخص به علومی مربوط است که مسائل آن وحدت ذاتی دارند (مطهری ۱۳۹۰ ج: ۲۰-۲۱).

- مشخص نبودن مرجع ضمیر یا اسم اشاره: باتوجه به نقل قول های مستقیم از آثار شهید مطهری، ضمیر یا اسامی اشاره ای در متن وجود دارد که مرجع آن ها در مطالبی پیش از آن در متن اصلی هست، ولی در این کتاب نیامده است. مانند:

صفحه ۳۸ سطر ۱۸، «چنین روح کلی» (در متن کتاب امامت و رهبری قبل از استفاده از این اسم اشاره توضیح داده است که «ولی کامل که انسانیت را به طور کامل دارد دارای مقاماتی است که از جمله آن تسلط بر ضمائر یعنی دل هاست، بدین معنا که امر دارای یک روح کلی است محیط بر همه دل ها»).

صفحه ۵۴ سطر ۵، «ایشان می گویند».

صفحه ۵۹ سطر ۱۶، «چنان که قبلاً گفتیم».

صفحه ۱۱۰ سطر ۱۴، «همین تعریف استاد».

۵. نتیجه گیری و پیش نهاد

در پایان، ضمن قابل تقدیر دانستن تلاش مؤلف محترم در جهت تدوین کتابی تخصصی در موضوع علم کلام و اجر نهادن آن، می توان نتیجه بررسی ها و تأملات در مورد کتاب فرهنگ اصطلاحات علم کلام؛ کلام اسلامی، کلام جدید، ادیان و مذاهب را این گونه بیان کرد که چنانچه روش مستند سازی و برخی برداشت های به کار رفته را در نظر

بگیریم (حتی اگر قابل تعمیم به کل کتاب نباشد)، باید اذعان کنیم که اثر حاضر از شیوه صحیح استناددهی علمی برخوردار نیست و نیازمند اصلاح است؛ زیرا برداشت‌ها باید به گونه‌ای دقیق باشد که تضمین‌کننده امانت و موردقبول محققان باشد. هم‌چنین باتوجه به رعایت نکردن برخی از اصول و ملاک‌ها که التزام به آن‌ها در تنظیم و تدوین فرهنگ‌نامه ضروری است و به تفصیل تحت عنوان کاستی‌ها بیان کردیم (اگرچه بعضی از موارد نسبت به حجم کتاب زیاد نیست، به دلیل مرجع بودن کتاب وجود حتی یک مورد از آن‌ها نیز قابل اعتناست)، به این نتیجه می‌رسیم که اثر حاضر تا کارهای جامع و مطلوب فاصله دارد؛ اما امید است این مقاله با ارائه نکاتی توانسته باشد تاحدی در راه نزدیک شدن به نقطه مطلوب و کارآمدتر شدن بیش‌تر آن راه‌گشا باشد. از این‌رو پیش‌نهادهایی در این جهت ارائه می‌شود:

علاوه بر این‌که پیش‌نهادهای به‌نوعی رعایت و اصلاح هرکدام از بندهای مطرح‌شده در قسمت کاستی‌ها را شامل می‌شود، مسائل دیگر را نیز در بر می‌گیرد. از جمله این‌که بهتر است کتاب بازخوانی شود و اصطلاحاتی که به‌خوبی تبیین نشده‌اند بازنویسی شوند تا مراجعه‌کننده، باتوجه به مرجع بودن آن، با رجوع به هریک از اصطلاحات با توضیحی جامع و مانع مواجه شود. هم‌چنین بهره‌گیری نگارنده از قلم خویش برای یک‌دستی و روان و رساندن مطالب در تبیین اصطلاح پیش‌نهاد می‌شود؛ به عبارت دیگر شایسته بود اقتباس و تلخیص برگه‌های یادداشت مربوط به موضوعی واحد جای‌گزین نقل قول مستقیم و غیرمستقیم از آثار متعدد استاد مطهری و ترکیب آن‌ها (باتوجه به این‌که تمام آن‌ها تألیفی نیستند) شود؛ به‌ویژه در مدخل‌های مربوط به برهان‌ها که هم بیان فلسفی است و هم امکان نقل تمام مبحث نبوده است و مؤلف توضیحات و مثال‌ها را به دلیل محدودیت و اجتناب از اطاله حذف کرده است. در این موارد چنان‌چه به خود متن اصلی مراجعه شود قابل فهم‌تر است، در حالی‌که استفاده از فرهنگ اصطلاحات باید محقق را از مراجعه به متون دیگر بی‌نیاز کند. در ضمن اگر انتشار مجدد کتاب در نظر باشد، باتوجه به داشتن تعدادی اغلاط تایپی و ویرایشی، بهتر است کتاب از این اشکالات تهی شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. دانش‌نامه‌ها و دایرةالمعارف‌ها متشکل از مجموعه مقالات پژوهشی جامع و مستقل، مذیل به فهرستی از مآخذ و منابع دست‌اول‌اند که با صحت و قوت مستندات به‌صورت خلاصه با اشاره به کلیات یک موضوع از سوی عده‌ای پژوهش‌گر برای راه‌نمایی اهل تحقیق و ارائه

نقدی بر کتاب فرهنگ اصطلاحات علم کلام ۱۳۳

مفیدترین دانستنی‌ها و آگاهی‌ها درباره موضوع تحقیق تنظیم و تألیف شده‌اند و معمولاً قطور و دارای چندین مجلدند.

۲. در قرن هفتم هجری قمری خواجه نصیرالدین طوسی (متوفی ۶۷۲ ق) با واردکردن فلسفه به مباحث کلامی یا به تعبیری فلسفی کردن علم کلام تحولی بنیادی در کلام اسلامی ایجاد کرد که از آن به «کلام فلسفی» تعبیر می‌شود. ویژگی مهم این نظام اعتقادی استفاده از اصطلاحات، ابزارها، و قواعد فلسفی است؛ بنابراین اصطلاحات مشترک در این دو علم موجبی برای تدوین فرهنگ مشترک فلسفی - کلامی بوده است.

۳. به فرهنگ‌نامه در حوزه علوم خاص «فرهنگ اصطلاحات آن علم» نیز اطلاق می‌شود.

کتاب‌نامه

باقری بیدهندی، ناصر (۱۳۶۳)، «نگاهی کوتاه به زندگانی پربار شهید مطهری»، مجله نور علم، ش ۴. جمعی از اساتید، زیر نظر آیه‌الله جعفر سبحانی (۱۳۸۷)، دانش‌نامه کلام اسلامی، قم: مؤسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق.

خاتمی، احمد (۱۳۷۰)، فرهنگ علم کلام، تهران: صبا.

خدایاری، ابراهیم و حسن ذوالفقاری (۱۳۹۲)، شیوه‌نامه ویرایش، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

خیمینی، سیدحسن (۱۳۸۹)، فرهنگ جامع فرق اسلامی، تهران: اطلاعات.

زکریایی، محمدعلی (۱۳۷۸)، فرهنگ مطهر؛ مفاهیم، اصطلاحات، و تعبیر علوم انسانی - دینی از دیدگاه استاد شهید مطهری، تهران: آذریون.

سجادی، سیدجعفر (۱۳۶۱)، فرهنگ علوم عقلی: شامل اصطلاحات فلسفی، کلامی، و منطقی، تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.

سجادی، سیدجعفر (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم فلسفی و کلامی، تهران: امیرکبیر.

قدیانی، عباس (۱۳۹۱)، فرهنگ جامع ادیان و مذاهب آیین‌ها، کیش‌ها، مکاتب، فرقه‌ها، اصطلاحات، تهران: آرون.

محمدی، مسلم (۱۳۹۳)، فرهنگ اصطلاحات علم کلام؛ کلام اسلامی، کلام جدید، ادیان و مذاهب، قم: نشر معارف.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۰)، امامت و رهبری، تهران: صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۹ الف)، توحید، تهران: صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۹ ب)، عدل الهی، تهران: صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۹ ج)، مجموعه آثار، تهران: صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۹ د)، مقالات فلسفی، تهران: صدرا.

۱۳۴ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال هجدهم، شماره هفتم، مهر ۱۳۹۷

- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹ و)، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی (۲): جهان‌بینی توحیدی، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰ الف)، اصول فلسفه و روش رئالیسم، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰ ب)، امدادهای غیبی در زندگی بشر، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰ ج)، کلیات علوم اسلامی ۲ (کلام، عرفان، حکمت عملی)، تهران: صدرا.